

مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنها دست بگذارد. اما شاگردان مردم را برای این کار سرزنش کردند 14. عیسی چون این را دید، خشمگین شد و به شاگردان خود گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند؛ آنان را بازمدارید، زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسان است 15. آمین، به شما می گویم، هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی نپذیرد، هرگز بدان راه نخواهد یافت.»

16 آنگاه کودکان را در آغوش کشیده، بر آنان دست نهاد و ایشان را برکت داد.



ما امروز دور هم جمع شده ایم تا جاشوا آرن شولز را غسل تعمید دهیم. اعضای خانواده آمدند و دیگران پس از آن می خواهند ویدیویی از مراسم را ببینند. یک مادرخوانده از آفریقای جنوبی این مراسم را با ما اینطور جشن خواهد گرفت. بنابراین مهم است که بپرسیم چرا حتی تعمید می دهیم؟ معنی آن چیست؟ آیا رهبران کلیسا به این فکر افتادند که غسل تعمید را معرفی کنند تا مردم دست کم یک بار در زندگی خود به کلیسا بیایند؟ یا باید آن را به روشی بسیار ساده تر تصور کنیم؟ مثل اینکه موضوع تنها اسم بچه جدید است که ما می خواهیم رسماً در مقابل جماعت اعلام کنیم. اینطور می خواهیم تایید کنیم که اکنون جاشوا باید چه نامیده شود؟ بسیاری در واقع معتقدند که نام یک شخص برای غسل تعمید در اهمیت است. و به همین دلیل است که می گویند: من به هانس، پیترو یا پولس تعمید یافتم. در حال حاضر حتی گفته می شود که اتومبیل ها و کشتی ها با نام خاصی تعمید می شوند. اگر فقط اسمش در غسل مهم است، چرا باید سه بار آب روی سر بچه ریخت؟ آیا نمی توانیم تنها بگوییم: این بچه اکنون جاشوا نام دارد؟ جالب است که مارتین لوتر قبلاً به این سؤال پرداخته است. و به همین دلیل است که می پرسد: «چگونه آب می تواند چنین کارهای بزرگی انجام دهد؟» و سپس به پاسخی می رسد که هنوز هم در کلاس های مسیح می آموزیم: «غسل تعمید تنها یک آب ساده نیست بلکه آبی است که اعتبار آن در فرمان خدا محکم شده و وابسته به کلام خداست...» پس این چیزهای بزرگی که در غسل تعمید اتفاق می افتد چیست؟ اگر بخواهیم به این سوال پاسخ دهیم، در واقع باید به نام کسی برگردیم که غسل را به ما عطا کرده. این سرور ما عیسی مسیح است. او اسم خدا را به اسم ما وابسته می کند. به این دلیل فقط در مورد نام جاشوا صحبت نمی کنیم بلکه در مورد نام خدا نیز صحبت می کنیم. زیرا از طریق غسل تعمید، نام خدا با نام جاشوا مرتبط می شود، به طوری که هر کاری که خدا برای ما انجام می دهد و انجام داده است، از آن به بعد متعلق به شخصیت جاشوا است. به همین دلیل است که عیسی گفت: «پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید.»

با غسل تعمید ما واقعاً با خدا یکی می شویم. این بدان معناست که ما نه تنها بخشی از خانواده او هستیم، بلکه وارث او نیز هستیم. وقتی غسل تعمید می گیریم، باید همه چیز را واضح تر از نام دادن یک شخص تصور کنیم. نه، غسل تعمید بیشتر از آن است و اساس زندگی انسان است. همچنین می توان گفت که تعمید مرز بین زندگی و مرگ، نور و تاریکی، خدا و جهان است. من می خواهم همه اینها را با یک مثال توضیح دهم؛ شاید به خاطر داشته باشید که چند سال پیش گروهی از کودکان و معلمشان توی غاری در تایلند گم شدند. باران شدید غار آنها را پر کرده بود، و راه بازگشت این کودکان به آزادی توسط آب مسدود شده بود. این کودکان می توانستند آب را ببینند که بالا و بالاتر می رفت. آنها می توانستند ببینند که دیر یا زود در مخفیگاه کوچک خود غرق خواهند شد. وقتی بچه ها آب تهدیدآمیز را دیدند که نزدیک و نزدیک تر می شد، توانستند بفهمند مرز مرگ و زندگی کجاست. تنها یک راه برای آنها وجود داشت. آنها بایستی از آب عبور می کردند تا به نجات برسند. شاید می توانستند بگویند «سعی می کنیم تا حد امکان در مخفیگاه کوچکمان راحت باشیم. دست کم می توانیم اینجا خشک بمانیم و زخم هایمان را پانسمان کنیم.» اما واضح بود که آذوقه فقط به طور موقت کمک خواهد کرد. چون آب مدام بالا و بالاتر می آمد. بنابراین تنها راه نجاتی که وجود داشت از طریق آب خطرناک به سوی آزادی بود. این غوطه ور شدن در آب با ترس همراه بود. «اگر نفسم تنگ شود چه کاری انجام دهم؟ اگر موفق نشوم و در آب خطرناک گیر کنم، چه می شود؟» و دقیقاً جایی که بچه ها در تایلند بودند، جایی است که همه ما انسان ها هستیم. مرگ در برابر ما ایستاده است. این واضح است. همه باید از این راه عبور کنند. هیچ استثنایی وجود ندارد. و حالا شما می توانید به خوبی خودتان را در مخفیگاه کوچک این زندگی سازگار کنید. همه ما

شادی‌هایی کوچک و بزرگ خود را داریم که می‌توانیم با آنها خودمان را سرگرم کنیم، خود را دلداری دهیم یا حتی ترس‌هایمان را از خود دور کنیم. اما این چیزها کافی نیستند. آنها فقط برای مدت کوتاهی می‌توانند ما را تسلی دهند، زیرا آب در حال بالا آمدن است و مرگ پیش روی ماست. ما نمی‌توانیم برای همیشه از مرگ پنهان شویم. نگرانی‌هایی وجود دارند که بر ما سنگینی می‌کنند. ترس‌هایی که ما را فلج می‌کنند وجود دارند. گاهی آب تا گردنمان می‌رسد و نمی‌دانیم بعدش چه کاری باید انجام دهیم. کودکان گمشده در غار تایلند ترس از آینده را می‌شناختند. اما راه خروج را هم می‌دانستند. آنها می‌بایستی شجاعت داشته باشند و دقیقاً به همان جایی که آب خطرناک بود نزدیک شوند. آنها مجبور شدند در آب تاریک غوطه‌ور شوند تا به انتهای دیگر برسند. زندگی به عنوان یک مسیحی قطعاً می‌تواند همینطور باشد. جهشی به سوی مکان‌های ناشناخته و تاریکی. آن کار را با اعتماد که خدا در کنار ماست انجام می‌دهیم. ما باید ایمان به خدا را در قلب خود در برابر تمام شرایط بشری حفظ کنیم و در برابر همه مردم به آن اعتراف کنیم: عیسی خداست و برای گناه من مرده است. برخی از مسیحیان این کار را انجام می‌دهند، حتی با دانستن اینکه دیگران می‌توانند آنها را بکشند. و با این حال تفاوت مهمی بین کودکان در تایلند و غسل تعمید ما وجود دارد. وقتی بچه‌ها مجبور بودند در آب بپرند مهم این بود که جسارت داشتند و خودشان در آب پریدند. در این مورد غسل تعمید فرق دارد. ما در هنگام تعمید به عیسی تعمید می‌گیریم. بنابراین می‌دانیم که به سوی ناشناخته‌ها نمی‌پریم، بلکه به آغوش خداوندان عیسی می‌پریم. و اگر در آب بپریم به سوی مرگ خودمان نمی‌پریم بلکه به سوی مرگ عیسی. او بود که شجاعت داشت و از مرگ برای ما عبور کرد. او این کار را برای ما انجام داد. ما مجبور نیستیم این کار را دوباره تکرار کنیم. او است که ما را تا انتهای دیگر می‌برد. ما مجبور نیستیم و نمی‌توانیم برای آن کار عیسی چیزی اضافه کنیم. و این که اصلاً هیچ کاری انجام نمی‌دهیم، امروز به وضوح توسط جاشوا به ما نشان می‌شود. بنابراین عیسی می‌خواهد امروز به ما بگوید که برای ایمان داشتن، همه ما باید از جاشوا به عنوان نمونه استفاده کنیم. و جاشوا چه کاری کرد؟ او هنوز در آغوش پدر و مادرش بی‌خبر دراز کشیده و با خوشحالی به خواب عمیق فرو رفته است. با این کار، جاشوا به ما نشان می‌دهد که ایمان چگونه کار می‌کند. ایمان این است که با سعادت در آغوش خدای زنده بخوابیم. حالا ممکن است برخی فکر کنند، چگونه می‌توانید این کار را انجام دهید؟ یک بچه کوچک از ایمان چیزی نمی‌فهمد. آیا یک کودک حتی می‌تواند به خدا ایمان داشته باشد؟ جالب اینجاست که شاگردان عیسی زمانی که یک بار مادران فرزندان خود را نزد او آوردند، دقیقاً به همین فکر افتادند. شاگردان فکر می‌کردند که بچه‌ها فقط آزاردهنده هستند و به هر حال چیزی نمی‌فهمند. گفتند: «اجازه دهید اول بزرگ شوند، سپس می‌توانند برگردند.» سپس عیسی واقعاً عصبانی شد و گفت: آنها را بازمدارید! درست نیست که بچه‌ها مجبور هستند مثل بزرگسالان شوند. اما برعکس درست است. بزرگسالان باید مانند کودکان شوند. و او جمله دیگری را اضافه کرد. "هر که ملکوت خدا را مانند کودک نپذیرد هرگز وارد آن نخواهد شد." عیسی این را گفت زیرا هیچ انسانی نمی‌تواند در نجات خود شرکت کند. فقط خدا می‌تواند آن کار را بکند. آبی که جاشوا امروز در آن تعمید یافت، خود عیسی است. و از این پس او یک مسیحی تعمید یافته است. از این پس او در مسیح است. و با این حال، جاشوا می‌تواند در تمام زندگی خود قدرت غسل تعمید را احساس کند و از آن قدرت زندگی کند. او همیشه می‌تواند به خود اجازه دهد در آغوش قوی خدای ما بیفتد. من می‌خواهم به وضعیتی که در اواخر جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ وجود داشت، اشاره کنم. در آن زمان همه چیز ناامید کننده بود. و مردم در وضعیت تهدید کننده قرار داشتند. مرگ و فریاد جنگ همه جا گسترش یافته بود. دقیقاً در چنین موقعیتی بود که یک کشیش معروف، گرهارد ایبلینگ، در مورد متن هفتگی امروز، که متن غسل تعمید جاشوا نیز هست، موعظه کرد. متن جاشوا از اول پطرس ۵،۷ گرفته شده است: «همه نگرانی‌های خود را به او بسپارید زیرا او به فکر شما هست.» گرهارد ایبلینگ در آخر جنگ جهانی دوم چنین گفت: هر که امروز بگوید: نگران نباش! نمی‌تواند آن را بدون اساسی تأیید کند! غسل تعمید مدرک خداست! ما تنها بر اساس آن وعده خدا می‌توانیم بگوییم «نگران نباش!» قدرت خدا از طریق غسل تعمید به ما رسیده است.» منظور آن کشیش این بود که در شرایط اضطراری زیادی که در دنیای ما وجود دارد، نمی‌توانیم به سادگی بگوییم: «نگران نباش!» برای آن به یک پایه نیاز داریم. و منبع قدرت در مقابل همه تهدیدهای گوناگون در جهان و در برابر ترس‌ها و نگرانی‌هایی که شبانه روز ما را آزار می‌دهند و فلج می‌کنند، تنها وعده خدا از طریق غسل است. و این غسل کار خود عیسی است. ممکن است در طول زندگی خود با خطراتی روبرو شویم و ممکن است لازم باشد با جسارت به مسیح اعتراف کنیم، حتی اگر این کار خطرناک باشد. همچنین ممکن است این اتفاق بیفتد که نفسمان کم بیاید، خسته شویم، یا در شرایط دشواری گیر کنیم که نمی‌دانیم چه کاری باید انجام دهیم. چنین تجربیاتی طبیعی است. غسل تعمید به این معنی است که من همیشه می‌توانم به خودم اجازه دهم در آغوش قوی خداوند ما عیسی بیفتم. من همیشه می‌توانم فقط یک کودک باشم. و عیسی هرگز دور نیست. او کسی است که قدرت دارد و می‌تواند مرا به آن سر دیگر برساند. رسیدن به آن سوی ساحل در واقع با بچه‌های تایلندی قابل مقایسه است. می‌توانم تصور کنم که بچه‌ها وقتی از آب تا انتهای دیگر عبور کردند و توانستند در هوای شادی‌آور

نفس بکشند و نور را ببینند، چه حسی داشتند. روزی که به خدا برسیم برای ما اینگونه خواهد بود. تسکین و شادی! بیرون آمدن از آب برای ما به معنای زندگی دوباره است! به معنی این است که آینده داریم! و ما نباید این را فقط در پایان زندگی خود تجربه کنیم. ما اکنون می توانیم این کار را انجام دهیم، زیرا می دانیم که عیسی قبلاً برای ما مرده و رستخیز کرده است. زندگی نه تنها در آینده ای دور بلکه همین الان متعلق به ماست، به این معنی که می توانم نفس بکشم. با این کار می توانیم برای این کودک آینده ای پر امید و شاد آرزو کنیم و این همه را به او بسپاریم. آمین